

## نسبت سیالیت واکنشی - تجدیدی علم در قرآن و جهان علم سنتی در تمدن اسلامی

محمد کرمانی کجور\*  
عبدالحسین خسروپناه\*\*  
سید ضیاءالدین میرمحمدی\*\*\*

### چکیده

وضعیت‌شناسی امروزین ما از مقوله علم، خصوصاً در راستای سیاست‌گذاری‌های علم، نیازمند نسبت‌سنجی علم‌شناسی قرآنی با علم‌شناسی جهان‌علم‌های تمدن اسلامی به عنوان تجربه تاریخی مان در علم است. نوشتار حاضر با تمرکز بر سیالیت واکنشی - تجدیدی علم به‌عنوان گونه‌ای از سیالیت علم، کوشیده است تا میان قرآن و جهان علم سنتی به‌عنوان یکی از ماندگارترین جهان‌علم‌های تمدن اسلامی، این نسبت‌سنجی را سامان دهد. فرآیند کلی پژوهش شامل اکتشاف، پردازش، تطبیق و مقایسه است و منطق پردازش، ترکیبی از استقراء نمودهای مسلّم و کاوش‌های منطقی است. یافته‌های پژوهش، گویای آن است که جهان علم سنتی، در این گونه از سیالیت علم، با قرآن، واگرایی دارد. قرآن هر دو گونه علم ظرف‌پذیر و ظرف‌ناپذیر را به رسمیت شناخته و بر دوگانه ماهیت ثابت و سیال علم تأکید دارد. در حالی که در جهان علم سنتی، علم ظرف‌پذیر به رسمیت شناخته نشده و همواره تلقی ثابتی از ماهیت علم بر آن احاطه داشته است.

### واژگان کلیدی

قرآن، سیالیت علم، سیالیت واکنشی - تجدیدی، ظرف‌پذیری علم، نسبت‌سنجی، جهان علم، پارادایم، تمدن اسلامی.

\*. دانشجوی دکتری مدرسی معارف اسلامی، گرایش تاریخ و تمدن اسلامی. (نویسنده مسئول)

m\_kermani87@yahoo.com

akhosropanah@yahoo.com

ziya.mirmohammadi@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۳/۲۲

\*\* استاد گروه فلسفه پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

\*\*\* استادیار گروه تاریخ و تمدن اسلامی دانشگاه معارف اسلامی.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۱۱

### طرح مسئله

در اینکه مقوله علم در تمدن اسلامی چه میزان با مقوله علم در قرآن همگرا یا واگرا بوده و هست و اینکه تجربه تاریخی و امروزی ما در مقوله علم چه نسبتی با قرآن داشته و دارد، پرسش کلانی است که پاسخ به آن می‌تواند، وضعیت‌شناسی مقایسه‌ای و احياناً یک آسیب‌شناسی مقایسه‌ای را ارائه کند و خود، پایه مطالعات راهبردی در سیاست‌گذاری علم قرار گیرد. نوشتار حاضر کوشیده است تا به بخشی از این پرسش و به تبع آن به بخشی از پاسخ و در نتیجه به بخشی از این وضعیت‌شناسی مقایسه‌ای بپردازد. بر این اساس پرسش فوق در این نوشتار اولاً بر مقایسه مورد نظر در بستر مطالعات پارادایمی، ثانیاً بر گستره پارادایم علم سنتی به عنوان یکی از پارادایم‌های علم در تمدن اسلامی و ثالثاً بر مسئله سیالیت علم به عنوان یکی از مسئله‌های علم‌شناسی و رابعا بر یک گونه از آن یعنی سیالیت واکنشی - تجدیدی علم تمرکز نموده است و به این پرسش پاسخ می‌دهد که چه نسبتی در سیالیت واکنشی - تجدیدی علم، میان قرآن و پارادایم علم سنتی در تمدن اسلامی برقرار است؟ بر این اساس نوشتار حاضر با پیوند اضلاع سه‌گانه‌ی فوق یعنی سیالیت واکنشی - تجدیدی علم به عنوان گونه‌ای خاص از سیالیت علم، قرآن به عنوان مهم‌ترین منبع الهی ما و پارادایم علم سنتی در تمدن اسلامی به عنوان یکی از پارادایم‌های ماندگار در این تمدن، تلاش کرده است تا نسبت هم‌گرایی و واگرایی پارادایم علم سنتی را در قلمرو مسئله سیالیت واکنشی - تجدیدی علم با قرآن، نسبت‌سنجی نماید.

### چارچوب نظری پژوهش

در کاوش از وضعیت‌شناسی علم در پارادایم علم سنتی در تمدن اسلامی با محوریت قرآن، در میان گزینه‌هایی چون رفتار اهالی علم، سیاست‌گذاری‌های علم و نیز سنخ، جنس و ماهیت علم، گزینه اخیر مورد توجه قرار گرفت و به دنبال آن این پرسش مطرح شد که ماهیت علم در قرآن و نیز در گذشته علم تا به امروز آن در پارادایم علم سنتی را چگونه باید مطالعه کرد تا بستر وضعیت‌شناسی مورد نظر، تحقق یابد؟ در میان گونه‌های متنوع مطالعات علم، گونه مطالعات پارادایمی کوهن، با توجه به آنکه می‌توانست نگاهی جامع به وضعیت علم ارائه کند، برگزیده شد؛ اما مطالعات پارادایمی نیز بدون مشکل نبود از جمله آنکه مقایسه پارادایم‌ها در آن نفی می‌شد، مبتنی بر جامعه علمی بود و از انقلاب علمی، متولد می‌شد؛ بر این اساس پارادایم کوهنی اصلاح گشته، آنگاه مطالعات پارادایمی اصلاح شده، چارچوب نظری پژوهش قرار گرفت.

## فرایند و منطق پژوهش

فرایند کلی پژوهش شامل چهار گام کلان اکتشاف، پردازش، تطبیق و مقایسه است. مرحله اکتشاف، شامل اکتشاف گونه‌های سیالیت علم، اکتشاف الگوی مطالعاتی سیالیت واکنشی - تجدیدی علم، اکتشاف کانون مطالعاتی آن و نیز اکتشاف نمودهای آن است. منطق اکتشاف و پردازش، ترکیبی از استقراء و کاوش‌های منطقی خواهد بود و با تطبیق الگو و کانون مطالعاتی موردنظر بر نمودها، بستر مطالعه مقایسه‌ای در نسبت‌سنجی قرآن و جهان علم سنتی در تمدن اسلامی فراهم می‌آید.

## پیشینه پژوهش

پیشینه پژوهش می‌تواند خاص یا عام باشد و پیشینه خاص می‌تواند محتوایی یا ساختاری باشد (یعنی اگرچه پژوهش پیشین، دارای تمایز محتوایی است، اما می‌توان از ساختار آن در پژوهش جدید الهام گرفت). مسئله محوری پژوهش (نسبت‌سنجی میان قرآن و جهان علم سنتی تمدن اسلامی در سیالیت واکنشی - تجدیدی علم)، هم به لحاظ محتوی و هم به لحاظ ساختار و الگوی مطالعاتی، فاقد پیشینه خاص است اما چهار سطح از مطالعات، قابل شناسایی است که می‌توان به لحاظ محتوایی و یا تشابه در سنخ مطالعاتی، آنها را پیشینه عام پژوهش نامید. در سطح نخست، مطالعات علم‌شناسی قرآنی قرار دارد. این مطالعات در دو دسته مطالعات تفسیری علم و مطالعات تطبیقی علم، جای می‌گیرند. مطالعات تفسیری، ناظر به علم‌شناسی‌های معاصر نیستند برخلاف مطالعات تطبیقی که در آنها، دریافت پاسخ قرآن به مسئله‌های علم‌شناسی معاصر، مورد توجه است و تاکنون دو رویکرد فلسفه علمی همچون کتاب *فلسفه علم و علم دینی با تأکید بر آیات مرتبط قرآن* اثر دکتر مجید کافی<sup>۱</sup> و رویکرد جامعه‌شناسی علم همچون کتاب *جامعه‌شناسی معرفت در قرآن*، اثر آقای حسین اژدری زاده<sup>۲</sup> را تجربه کرده است. مطالعات تطبیقی علم در قرآن صرفاً از آن رو که به علم‌شناسی‌های معاصر ناظرند، با بخش قرآنی پژوهش حاضر تشابه سخی دارند. سه سطح بعدی پیشینه عام نیز به مطالعات علم‌شناسی در تمدن اسلامی اختصاص دارد. این مطالعات خود در سه دسته جای می‌گیرند: الف) مطالعات فلسفی علم در تمدن اسلامی همچون: کتاب *تاریخ و فلسفه علوم اسلامی عثمان* بکار<sup>۳</sup> و کتاب *شکل‌گیری علم اسلامی مظفر اقبال*.<sup>۴</sup>

۱. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ۱۳۹۵.

۲. موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، قم، ۱۳۹۰.

۳. بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ترجمه محمدرضا مصباحی، مشهد، ۱۳۸۸.

۴. ترجمان علوم انسانی، ترجمه حسن آریان و دیگران، تهران، ۱۳۹۴.

ب) مطالعات تاریخی - تحلیلی علم در تمدن اسلامی همچون: کتاب *اسلام، علم و چالش تاریخی* اثر احمد الدلال<sup>۱</sup> و کتاب *تاریخ و فلسفه علم؛ مقالاتی از رشدی راشد و درباره او* اثر حسین معصومی همدانی.<sup>۲</sup> دسته «ب» و دسته «ج» که در ادامه می‌آید صرفاً از آن‌رو که نوعی کلی‌نگری به علم در تمدن اسلامی هستند، با کلیت بخش علم در تمدن اسلامی پژوهش حاضر تشابه سنجی دارند.

ج) مطالعات تاریخی - توصیفی علم در تمدن اسلامی همچون: کتاب *التعریف بطبقات الامم* اثر قاضی صاعد،<sup>۳</sup> *تاریخ علم در تمدن اسلامی* نوشته آقایان محمدعلی چلونگر و محمدباقر خزائلی<sup>۴</sup> و جلد ۱ و ۲ کتاب *پویایی فرهنگ و تمدن اسلامی* اثر دکتر علی‌اکبر ولایتی.<sup>۵</sup> این مطالعات هم به لحاظ محتوی و هم ساختار و هم تشابه سنجی در دورترین سطح پیشینه عام پژوهش قرار دارند و صرفاً از آن‌رو که به علم در تمدن اسلامی پرداخته‌اند، سنخیتی با کلیت بخش علم در تمدن اسلامی پژوهش یافته‌اند.

### ۱. مفاهیم پژوهش

مفاهیم پژوهش شامل سه مفهوم جهان علم، جهان علم سنتی در تمدن اسلامی و سیالیت واکنشی - تجدیدی علم است که پرداخت به آنها پیش از ورود به حل مسئله ضروری است.

#### یک. پارادایم و جهان علم

پارادایم، مفهوم محوری<sup>۶</sup> علم‌شناسی توماس کوهن در کتاب *ساختار انقلاب‌های علمی* است. این واژه، شایع‌ترین واژه در مطالعات علم‌شناسی در نیم‌قرن اخیر بوده است. «بر اساس دیدگاه کوهن، علوم، پارادایم محور هستند»<sup>۷</sup> و «هر رشته علمی و هر دانشی در بستر یک پارادایم شکل می‌گیرد».<sup>۸</sup> تاکنون معادل‌های فارسی متعددی برای واژه پارادایم همچون «الگو»، «چارچوب» و «پیش‌فرض» ارائه شده است اما به هر روی توفیقی نداشته‌اند چنان‌که در زبان عربی معاصر نیز همان واژه

۱. دانشگاه ییل، لندن، ۲۰۱۰. *پژوهش‌های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*  
 ۲. حسین معصومی همدانی، هرمس، تهران، ۱۳۹۷.  
 ۳. تحقیق غلامرضا جمشیدیها، هجرت، تهران، ۱۳۷۶.  
 ۴. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ۱۳۹۶.  
 ۵. مرکز اسناد و خدمات پژوهشی وزارت امور خارجه، تهران، ۱۳۸۴.  
 ۶. صادقی، «ماهیت پارادایم و ابعاد کل‌گرایانه آن»، *متافیزیک*، ش ۲۷، ص ۱۳۹.  
 ۷. همان، ص ۲۱.  
 ۸. همان، ص ۱۳.

«پارادایم»<sup>۱</sup> و یا «التمودج الارشادی»<sup>۲</sup> به کار گرفته شده است. آنچه این نوشتار به عنوان معادل فارسی آن برگزیده و آن را بر سایر معادل‌های آن، ترجیح داده است، واژه ترکیبی «جهان علم» است. مهم‌ترین ویژگی این واژه در نسبت با سایر واژه‌ها، فراگیری مفهومی آن نسبت به همه عناصر پارادایمی و فضای فراخی است که پارادایم به تصویر می‌کشد.

درباره معنای پارادایم، اگرچه «کوهن هیچ‌گاه تعریف سرراستی از پارادایم ارائه نکرد. او بیشتر ترجیح می‌داد پارادایم را در ضمن مثال‌هایی تاریخی معرفی کند»<sup>۳</sup>، با این حال تلاش‌های زیادی برای دریافت معنای مورد نظر وی انجام گرفته است. برخی، آن را «مجموعه پیش‌فرض‌های متافیزیکی و فلسفی علم»<sup>۴</sup>، برخی آن را «اصول ابرمنطقی سازمان‌دهی اندیشه»<sup>۵</sup>، برخی نیز آن را «الگوهای کلان فکری حاکم بر یک جامعه علمی»<sup>۶</sup>، برخی نیز «یک سری اصول موضوعه و پیش‌فرض در علوم طبیعی و انسانی»<sup>۷</sup> و برخی هم آن را «مجموعه‌ای از مؤلفه‌های مورد توافق یک جامعه علمی»<sup>۸</sup> دانسته‌اند و برخی نیز بر پایه ابهام‌سنگینی که بر معنای این واژه سایه افکنده<sup>۹</sup> برای جلوگیری از سوءفهم، خواستار دست‌شستن از این واژه شده‌اند.<sup>۱۰</sup> اما نکته قابل توجه آن است که نباید به دنبال این بود که کوهن دقیقاً چه منظوری از پارادایم داشته است و تمام‌المعنی در وضع این واژه از سوی او چه بوده است؟ و نیز نباید به دنبال این بود که شارحان و مقرران کوهن چه فهمی از این واژه ارائه کرده‌اند؟ بلکه می‌بایست بر اصل کشف معنایی از پارادایم که پس از کوهن شایع شد که آن را «پارادایم پساکوهنی» می‌نامیم و دست کم یکی از معانی مورد نظر کوهن نیز بوده است، تمرکز نمود و در تنقیح آن کوشید. این، دقیقاً همان معناکاوای از پارادایم است که در مقدمه کتاب **پارادایم اجتهادی دانش دینی** پیگیری شده و

۱. ر.ک: کوهن، *بنیة الثورات العلمية*، ترجمه حیدر حاج اسماعیل، ص ۱۲۳ - ۱۱۱.

۲. ر.ک: همان، ترجمه شوقی جلال، ص ۸۵ - ۷۷.

۳. صادقی، «ماهیت پارادایم و ابعاد کل‌گرایانه آن»، *متافیزیک*، ش ۲۷، ص ۱۳۲ - ۱۳۱.

۴. علی‌پور و حسنی، *پارادایم اجتهادی دانش دینی (پاد)*، ص ۱۰.

۵. خاقانی، «پارادایم حکمت و نقش آن در تعامل علوم»، *نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی*، ش ۱۸۶، ص ۶۸.

۶. کاظمی و دیگران، «پارادایم‌های حاکم بر تربیت ویژه از منظر جامعه‌شناسی علم»، *پژوهش‌نامه مبانی تعلیم و تربیت*، سال ۳، ش ۱، ص ۱۱۲.

۷. کافی، «هدف علم در پارادایم اسلامی علوم انسانی»، *اسلام و علوم اجتماعی*، ش ۱۶، ص ۶۲.

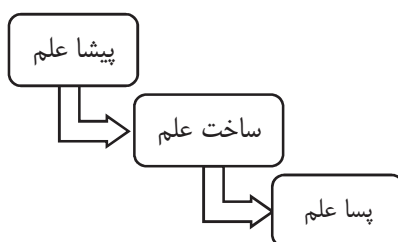
۸. صادقی، «ماهیت پارادایم و ابعاد کل‌گرایانه آن»، *متافیزیک*، ش ۲۷، ص ۱۳۲ - ۱۳۱.

۹. ر.ک: حسین‌زاده (یزدی)، «پارادایم؛ افسانه یا واقعیت (تحلیل معناشناختی، خاستگاه و ارزیابی)»، *معرفت فلسفی*،

سال ۴، ش ۳، ص ۱۰۶.

۱۰. همان، ص ۱۰۸.

به‌درستی بر این نکته تأکید شده است که «استعمال واژه پارادایم لزوماً به‌معنای کوهنی آن نمی‌باشد»<sup>۱</sup>. در پارادایم‌شناسی همواره بر ارائه ویژگی‌های آن تمرکز شده و عناصر آن نه از سوی کوهن و نه از سوی پیروان او تبیین نشده است. این عناصر در نگاه نورمن بلیکی در چهار دسته هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، روش‌شناسی و روش جای می‌گیرند.<sup>۲</sup> باربور نیز عناصر پارادایمی را تعهد پارادایمی و نیز معیارهای ارزیابی دانسته است.<sup>۳</sup> اما به‌نظر ما همه عناصر پارادایمی، بینش‌های عام مؤثری درباره ماهیت علم هستند. فعالیت‌های پارادایمی نیز به‌نظر ما در ساخت‌ها و مراحل کلانی شامل پیش‌علم، ساخت علم و پس‌علم رقم می‌خورند. (تصویر ۱)



تصویر ۱: ساخت‌ها و مراحل کلان فعالیت‌های علمی در پارادایم‌ها

تعریف اجمالی ما از پارادایم نیز از این قرار است: «مجموعه‌ای از بینش‌های عام اهالی علم، در مورد علم، اعم از آگاهانه و غیرآگاهانه که فعالیت علمی آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد». در این تعریف، با جبر پارادایمی که باربور<sup>۴</sup> و پیروان کوهن از آن دفاع می‌کنند<sup>۵</sup> و نیز با آگاهانه بودن همه عناصر پارادایمی که لاکاتوش به آن باور داشته<sup>۶</sup> و از تعریف برگزیده «پاد» نیز برمی‌آید،<sup>۷</sup> همراهی نکرده‌ایم.

#### دو. جهان علم سنتی در تمدن اسلامی

جهان علم‌های متنوعی در گستره تمدن اسلامی حضور داشته‌اند که همچون همه پارادایم‌های علمی، نقطه‌های مشترک و نیز متمایزی با یکدیگر داشته‌اند. این جهان علم‌ها به‌ترتیب بروز و ظهور آنها در تمدن اسلامی عبارتند از: جهان علم اسلامی، جهان علم سنتی، جهان علم ارسطویی و جهان علم اثبات‌گرا

۱. همان، ص ۲۱.

۲. ر.ک: بلیکی، *پارادایم‌های تحقیق در علوم انسانی*، ترجمه حمیدرضا حسنی و محمد تقی ایمان، ص ۴۳ - ۲۸.

۳. ر.ک: باربور، «پارادایم‌ها در علم و دین»، *کیان*، ش ۳۴، ص ۳۱ - ۲۰.

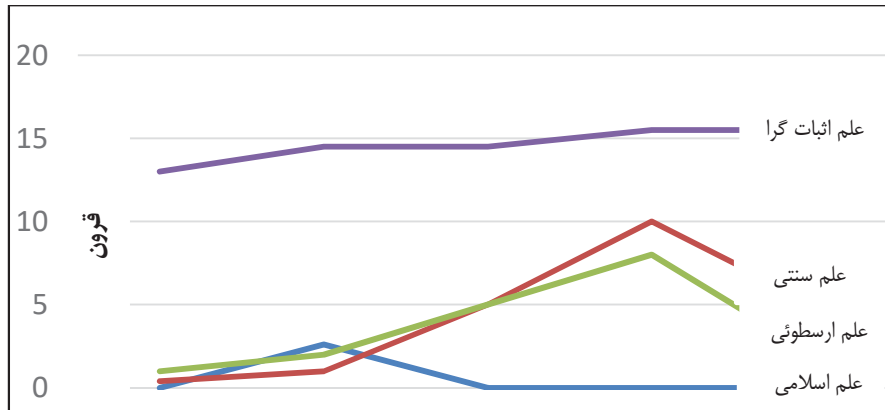
۴. همان، ص ۲۸.

۵. صادقی، «ماهیت پارادایم و ابعاد کل‌گرایانه آن»، *متافیزیک*، ش ۲۷، ص ۱۳۶.

۶. باربور، «پارادایم‌ها در علم و دین»، *کیان*، ش ۳۴، ص ۲۸.

۷. علی‌پور و حسنی، *پارادایم اجتهادی دانش دینی (پاد)*، ص ۲۵.

(تصویر ۳). از جمله تلاش‌های مشترک پارادایم‌های اخیر، بهره‌گیری از منابع اسلامی در تبیین نسبت خود با اسلام بوده است به طوری که هریک تلاش کرده تا زاویه‌ای با دیدگاه اسلام در ساحت علم نداشته باشد.



تصویر ۳: نمودار خطی آغاز و فراز و فرود جهان علم‌ها در گستره تمدن اسلامی

جهان علم سنتی که در میان تابعان تولد یافت، چندی بعد در میان اهل سنت، رشد کرد و جامعه حامی خود را یافت و رفته‌رفته خود را بر طیفی از سایر جریان‌های علمی از جمله بر طیف غالب جامعه علمی شیعیان تحمیل کرد. روزنتال اهالی آن را «سنت‌گرایان»<sup>۱</sup> و علم آنان را «علم سنت‌گرا»<sup>۲</sup> خوانده است که به لحاظ قدمت فزون‌تر آن نسبت به پارادایم‌های پس از آن، نام‌گذاری مناسبی است. مهم‌ترین شخصیت‌های این پارادایم، شعبی، مقاتل، مالک بن انس، غزالی و فخررازی هستند.<sup>۳</sup> اگرچه میان طیف مالک، شعبی و مقاتل با طیف غزالی و فخررازی تفاوت‌هایی هست، با این حال این دو طیف تنها در نقطه‌هایی متمایز در دوران جهان علمی واحد جای می‌گیرند.

جهان علم سنتی نه با جهان علم اسلامی یکی بود و نه با سایر جهان علم‌هایی که پس از آن ظهور یافتند، همراه بود و با تمام فراز و فرود خود، ماندگارترین و بومی‌ترین جهان علم در تمدن اسلامی بود و البته کمترین وابستگی را به خارج از تمدن اسلامی داشته است و امروزه اگرچه در دوران اقتدار و شکوه خود به سر نمی‌برد و دوران ضعف خویش را سپری می‌کند، اما با جهان علم اثبات‌گرایی غرب نیز که جهان علم غالب در جهان اسلام است، همراه نیست. اقتدار این جهان علم، همواره سایر جهان علم‌ها را خواسته یا ناخواسته به محافظه‌کاری کشانده است.

۱. ر.ک: روزنتال، دانش پیروزمند: مفهوم علم در اسلام قرون وسطی، ص ۱۱۱.

۲. همان، ص ۱۸۳.

۳. ر.ک: همان، ص ۱۶۰ - ۸۷.

جامعه علمی شیعی ما نیز شاید از آن رو که می‌بایست زبان و منطق مشترکی میان خود و عامه برقرار می‌کرد، در جهان علم سنتی با آنها هم‌داستان شد، اگرچه سرنوشت یکسانی با آنان تجربه نکرد. استرآبادی، نقطه آغازین این همسویی علمی را ابن‌جنید و پس از آن ابن‌ابی‌عقیل دانسته که از سوی سید مرتضی و شیخ مفید پذیرفته شد و قرن‌به‌قرن در میان شیعیان شایع شد.<sup>۱</sup> تا آنجا که برخی بر این باورند که «همه تفسیرهای شیعی نیز در همین امروز در بستر تفسیر سنیان قرار دارند».<sup>۲</sup>

جهان علم سنتی که به‌شدت خود را اسلامی می‌دید و قرن‌ها در شکل‌های مختلف سنی و شیعی در تمدن اسلامی بروز و ظهور یافته بود، امروزه نیز حضور جدی و تأثیرگذاری در حوزه‌های علمی شیعی و مدارس و جامعات سنی داشته و جامعه علمی متناسب با خود را دارد. اگرچه در ایران از زمان مشروطه و یا پیدایش دانشگاه، این جهان علم به نام «علم حوزوی» شناخته شده است.<sup>۳</sup>

### مشخصه‌های جهان علم سنتی در تمدن اسلامی

به نظر می‌رسد می‌توان پاره‌ای از مشخصه‌های عام را برای جهان علم سنتی برشمرد. این مشخصه‌ها عبارتند از تقلیل‌گرایی، تجزیه‌گرایی و انحصار ماهیت شناختی علم.

#### ۱. تقلیل‌گرایی

بخشی از مفهوم علم در جهان علم سنتی در سده‌های نخستین اسلامی که دوره تأسیس و شکوفایی آن بود، چنان که روزنتال به آن تصریح کرده است، همان اسلام و اسلام همان علم بود<sup>۴</sup> و در صورت‌بندی علم، عموماً عرصه‌ای برای فعالیت در علوم طبیعی و علوم اوائل نمی‌دید و گستره شناخته‌شده علم، علوم انسانی و علوم فراطبیعی بود. از این مشخصه، به «تقلیل‌گرایی» تعبیر می‌کنیم. این تقلیل‌گرایی همچنین به علوم انسانی نیز کشیده شده و ساخت و تولید علوم انسانی تقلیلی در دستور کار بود به این معنا که علوم انسانی به رشته‌های دینی رشد همچون فقه و اخلاق محدود شد و با ضمیمه آن به «تعبدگرایی مفرط»، مجالی برای تنفس علوم انسانی در خارج از آن از جمله اقتصاد، فرهنگ و سیاست حتی در سطح مطالعات فلسفی آنها فراهم نیامد.

۱. استرآبادی، *الفوائد المدنیة*، ص ۷۸.

۲. رضوی، *سایت بینش نو*، binesheno.com، نوشتار «علت ماندگاری فلسفه ارسطویی در میان شیعیان»، بازیابی: ۱۳۹۷/۸/۱۰.

۳. برای اصطلاح حوزه علمیه ر.ک: دانشیار، «اصطلاح حوزه علمیه: تاریخچه پیدایی و تحولات معنایی»، *پژوهشنامه تاریخ تمدن اسلامی*، سال ۴۵، ش ۱، ص

۴. همان، ص ۱۷۲ - ۸۷.



## ۲. تجزیه‌گرایی

جهان علم سنتی در تمدن اسلامی، خیلی زود به تجزیه و تفکیک رشته‌های دست زد و آموزه‌های اسلامی را به رشته‌های متعددی تجزیه کرد و رشته‌های مقدماتی و آلی برای آنها طراحی کرد که از آن به «تجزیه‌گرایی» تعبیر می‌کنیم. با این کار - که گریزی از آن در مقام آموزش علم نیست - ارتباط طبیعی آموزه‌های اسلامی در مقام پژوهش قطع شد به طوری که همواره نیازمند مطالعاتی گردید که ارتباط میان آنها را برقرار سازد. در این میان نیز همواره برخی از رشته‌ها همچون حدیث و غالباً فقه، توفیق بیشتری برای اشراف بر سایر رشته‌ها می‌یافتند.

## ۳. انحصار ماهیت شناختی علم

جهان علم سنتی، ماهیت شناختی برای علم قائل بود و ماهیت استخدامی علم، تحت تأثیر تقلیل‌گرایی و تبعدگرایی افراطی آن مجال نمی‌یافت و براین اساس فاقد مطالعات راهبردی حتی در علوم انسانی تقلیلی خود بود و نزاع‌ها و اختلاف‌های فراوان درونی آن نیز از این خط تخطی نمی‌کرد. فقدان ماهیت استخدامی علم و افراط در ماهیت شناختی علم، پژوهش‌های این جهان علم را به هرزه‌پژوهی کشاند. قرائت‌های چهارده‌گانه از قرآن، تفسیرهای احتمال‌گرا، مسائل کلامی چون خلق قرآن و بسیاری از مباحث علم نحو و علم اصول فقه، نمونه‌هایی از این هرزه‌پژوهی است.

جهان علم حوزوی ما که در دوره ضعف جهان علم سنتی سربرآورد، هرچه از عمر آن گذشت، بر ضعف آن افزوده شد و مشخصه‌های تقلیل‌گرایی، تجزیه‌گرایی و افراط در ماهیت شناختی علم را بیش‌ازپیش حفظ کرد و به آن استمرار بخشید. چنان‌که در بی‌توجهی به علم تاریخ، گوی سبقت را از پیشینیان ربود. امروزه نزاع‌هایی چون فقه اجتماعی و فقه فردی، عینی‌گرایی و ذهنی‌گرایی فقهی، نزاع‌های پارادایم‌ها و جهان علم‌ها در درون حوزه‌های علمیه است. اگرچه حتی تصور نزاع‌کنندگان، آن است که در یک مسئله خرد با یکدیگر نزاع دارند، در واقع نزاع بر سر ماهیت متمایز علم میان طرفین است.

به نظر می‌رسد برخی مراکز سنی معاصر، در التزام به جهان علم سنتی، متفاوت عمل کرده‌اند. از جمله جامعه الازهر با ورود به رشته‌های فنی، مهندسی و تجربی، در واقع پارادایمی تلفیقی را در عصر حاضر رقم زده است. اگرچه امروزه پارادایم علم سنتی عربستان، پاکستان و ایران همچنان در همان پارادایم پیشین خود تنفس می‌کنند. بر اساس آنچه گفته شد در مجموع می‌توان چهار دوره را برای این پارادایم برشمرد: دوره شکل‌گیری علم سنتی و زاویه‌گیری از پارادایم علم اسلامی (۴۰ - ۱۰۰)، دوره شکوفایی پارادایم علم سنتی (۱۰۰ - ۵۰۰)، دوره اقتدار و غلبه بر پارادایم علم ارسطویی در میان سنیان (۵۰۰ - ۱۰۰۰) و دوره ضعف (۱۰۰۰ - تا به کنون).

**سه. سیالیت واکنشی - تجدیدی علم**

امروزه مسئله سیالیت علم تا حدودی مورد توجه علم‌شناسی‌های نوین قرار گرفته است. واژگانی چون «موقتیّت علم»،<sup>۱</sup> «انعطاف علم»،<sup>۲</sup> «زمان‌مندی علم»،<sup>۳</sup> «تاریخیت علم»،<sup>۴</sup> و «پویایی علم»،<sup>۵</sup> واژگانی ناظر به آن هستند. سیالیت علم اجمالاً در قبال «ثابت‌گرایی»، «قانون‌گرایی»، «مطلق‌گرایی» و «جهان‌شمولی» در علم است و تلقی ثابت از ماهیت علم نیز اجمالاً به این معنی است که علم، همیشگی، فرازمانی و فرامکانی است و فعالیت علمی، چیزی جز تلاش در راستای تولید و ساخت چنین علمی نیست. این تلقی، ارتکاز راسخ اهالی علم در بسیاری از پارادایم‌ها بوده است تا آنجا که «کانت، صرفاً ساختار شناخت را ثابت نمی‌داند او ... حتی محتوای شناخت را نیز دست‌کم در اصول، ثابت و نهایی تلقی کرده است». اما در نگاه فایربرد «تصور اینکه می‌توان و باید علم را مطابق قواعد ثابت و جهان‌شمول، حیات و استمرار بخشید، هم غیر واقع‌بینانه است و هم مهملک ... زیرا شرایط پیچیده فیزیکی و تاریخی را که مؤثر در تحول علمی است، مغفول می‌گذارد. این تصور، علم را کمتر انعطاف‌پذیر و بیشتر جزمی می‌کند».<sup>۷</sup>

مسئله سیالیت علم علی‌رغم توجه به آن در علم‌شناسی‌های مدرن، مطالعه درخوری را تجربه نکرده است و براین‌اساس گونه‌ها و روابط آن بیش از یک گونه، شناسایی نشده است. به‌نظر ما سیالیت علم، گونه‌های متنوعی دارد و تعریف سیالیت علم در هر گونه نیز متمایز خواهد بود. این گونه‌ها مبتنی بر ساحت‌های فعالیت پارادایمی، شامل سه ساحت پیش‌علم، ساخت علم و پس‌علم، (تصویر ۱) تنوع می‌یابند. یعنی باتوجه‌به آنکه سیالیت علم در کدام ساحت از ساحت‌های کلان فعالیت‌های پارادایمی رقم می‌خورد، گونه‌های متنوعی خواهد داشت و معنای سیالیت نیز در هر ساحت به‌تناسب همان ساحت، متمایز خواهد بود. سیالیتی که مربوط به مرحله پیش‌علم و ساخت علم است را «سیالیت کنشی» و سیالیت مربوط به مرحله پس‌علم را «سیالیت واکنشی» نامیده‌ایم. چراکه پیش از هر تولید اولیه‌ای، دو مرحله طرح مسئله و حل مسئله وجود دارد، حال اگر سیالیت علم به هر

۱. رک: ابراهیمی تیرتاش و شیخ رضایی، «نقد و بررسی مؤلفه‌های ماهیت علم در آموزش علم»، *روش‌شناسی علوم انسانی*، ش ۹۳، ص ۱۴۳ - ۱۴۲.

۲. همان، ص ۱۵۲.

۳. رک: همان، ص ۱۴۵ و ۱۵۱ - ۱۴۹.

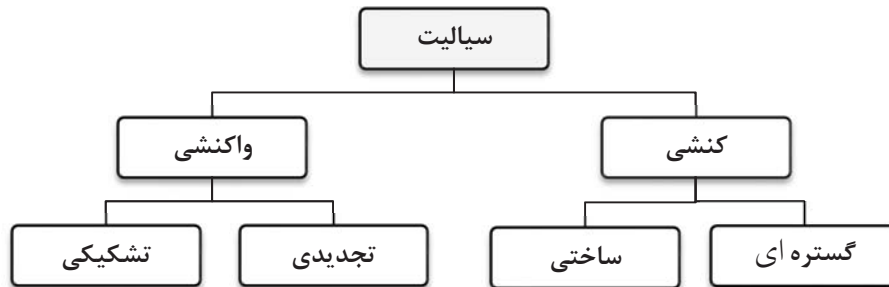
۴. رک: همان.

۵. همان، ص ۱۵۲.

۶. صادقی، «ماهیت پارادایم و ابعاد کل‌گرایانه آن»، *متافیزیک*، ش ۲۷، ص ۱۳۵.

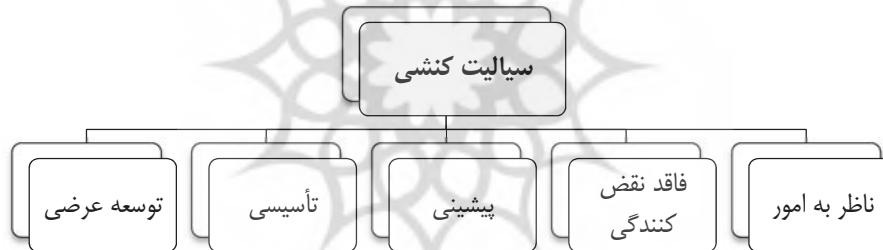
۷. رک: مقدم حیدری و آیت‌اللهی، «عقلانیت به‌منابه حفظ گزاره‌های ثابت و جایگزینی گزاره‌های سیال»، *فلسفه علم*، ش ۲، ص ۱۵۷.

یک از این دو مرحله مربوط شود، سیالیت مورد نظر، «کنشی» خواهد بود و اگر سیالیت، مربوط به پس از ساخت اولیه و ناظر به ساخت پیشین باشد، سیالیت مورد نظر، «واکنشی» خواهد بود. همچنین سیالیت کنشی در ساحت پیشاعلم را «سیالیت کنشی - گستره‌ای» و سیالیت کنشی در ساحت ساخت علم را «سیالیت کنشی - ساختی» خوانده‌ایم. سیالیت واکنشی نیز که مربوط به ساحت پساعلم است دو گونه متمایز «واکنشی - تجدیدی» و «واکنشی - تشکیکی» خواهد داشت. (تصویر ۵)



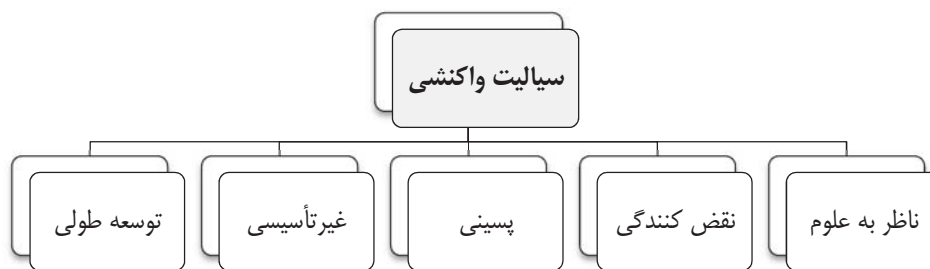
تصویر ۵: گونه‌های سیالیت علم

هر یک از سیالیت‌های کنشی و واکنشی، پنج مشخصه متمایزکننده دارند که آنها را از یکدیگر متمایز می‌سازد. مشخصه‌های سیالیت کنشی علم عبارتند از: ناظر بودن به امور، فاقد ماهیت نقض‌کنندگی، پیشینی بودن، تأسیسی بودن و موجب توسعه عرضی شدن علم. (تصویر ۶)



تصویر ۶: مشخصه‌های سیالیت کنشی

سیالیت واکنشی علم نیز پنج مشخصه متمایزکننده دارد. چراکه سیالیتی «ناظر به علوم» است و ناظر به امور نیست، بنابراین «پیشینی» است و ناظر به مرحله پساتولید است یعنی پس از آنکه مسئله‌سازی شد و پاسخ نیز تولید شد، حال واکنش به تولید پیشین ارائه می‌شود. این نظارت به امر پیشین، همواره «نقضی» است. یعنی سیالیت علم، اقتضای نقض امر تولید شده پیشین را دارد. براین اساس مواجهه‌ای «غیرتأسیسی» است و موجب «توسعه طولی» علم می‌شود. (تصویر ۷)



تصویر ۷: مشخصه‌های سیالیت واکنشی

همچنین از آن رو که دو گونه متمایز از نقض کنندگی نسبت به علم پیشین متصور است، سیالیت واکنشی به دو گونه تقسیم می‌شود، چراکه نقض علم پیشین گاه با ساخت جدید و ارائه جایگزین همراه نیست و گاه نقض آن با ساخت و تولید جایگزین همراه است. صورت نخست را «سیالیت واکنشی - تشکیکی» و صورت دوم را «سیالیت واکنشی - تجدیدی» نامیده‌ایم.

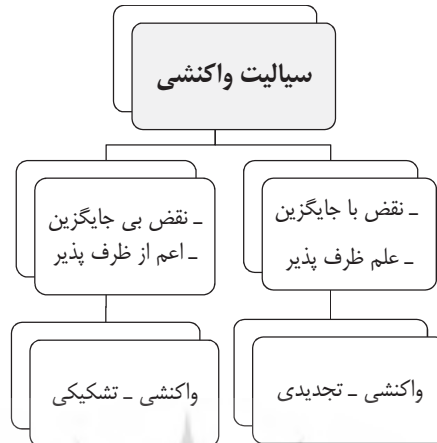
سیالیت واکنشی - تشکیکی، سیالیتی به معنای نقض امر پیشین بر پایه «شک» است. این سیالیت، «واکنشی» است چرا که به علم تولید شده پیشین ناظر است و «تشکیکی» است چرا که نقض آن با جایگزینی و ساخت علم جدید همراه نیست و بر شک استوار است. به تعبیر دیگر، سیالیت علم در اینجا اجمالاً به این معناست که می‌بایست نسبت به ساخته‌های پیشین علم، مواجهه شکاکانه داشت و از ثابت‌انگاری ساخته‌های پیشین بر حذر بود. و همین مواجهه تشکیکی، ضامن سیالیت، انعطاف‌پذیری و پویایی علم پس از ساخت آن خواهد بود. این سیالیت، سیالیت شناخته‌شده‌ای در علم‌شناسی‌های معاصر است.<sup>۱</sup> همچنین برخی فهرست‌های نوین آموزش ماهیت علم همچون فهرست شباهت خانوادگی FRA، حاوی سیالیت واکنشی - تشکیکی علم هستند.<sup>۲</sup>

سیالیت واکنشی - تجدیدی علم، علاوه بر پنج مشخصه سیالیت‌های واکنشی که آن را از سیالیت‌های کنشی متمایز می‌سازد، دو مشخصه ویژه نیز دارد که آن را از سیالیت واکنشی - تشکیکی علم متمایز می‌نماید. نخست آنکه نقض علم پیشین در آن با ساخت جدید همراه است و دیگر آنکه بر خلاف سیالیت واکنشی - تشکیکی که نقض علم پیشین هم در ظرف پیشین و هم در ظرف جدید، صورت می‌پذیرد، علم پیشین، صرفاً در ظرف جدید، نقض می‌شود و در ظرف پیشین، نقض نمی‌شود. به تعبیر دیگر، نقض در سیالیت واکنشی - تجدیدی نسبت به «علم ظرف‌پذیر»

۱. ر.ک: خاکی قراملکی، تحلیل هویت علم دینی و علم مدرن، ص ۱۶۵.

۲. ر.ک: ابراهیمی تیرتاش، شیخ رضایی، «نقد و بررسی مؤلفه‌های ماهیت علم در آموزش علم»، روش‌شناسی علوم انسانی، ش ۹۳، ص ۱۴۵ و ۱۵۲ - ۱۴۹.

صورت می‌گیرد و به «علم ظرف‌ناپذیر» ناظر نیست. یعنی برای علم ساخته شده در ظرف جدید، جایگزین ارائه می‌شود بدون آنکه صدق علم پیشین در ظرف پیشین آن نقض شود. علم ظرف‌پذیر، علمی است که برای ظرف خاصی تولید می‌شود. این ظرف خاص می‌تواند، زمانی و مکانی و یا هر عامل ظرف‌ساز دیگر و یا ترکیبی از آنها باشد. طبیعی است که پارادایم‌ها برای بهره‌مندی از سیالیت واکنشی - تجدیدی علم، می‌بایست چنین ساختی را به‌عنوان علم به رسمیت بشناسد تا واجد چنین سیالیتی باشند چراکه باور پارادایم به علم ظرف‌پذیر، پایه چنین واکنشی خواهد بود. (تصویر ۸)

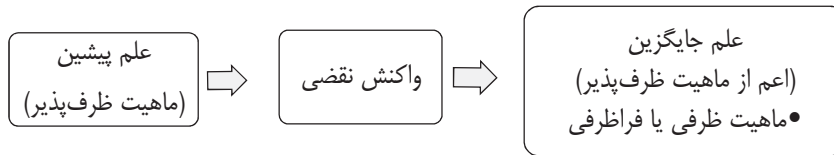


تصویر ۸: تمایز سیالیت واکنشی - تجدیدی و واکنشی - تشکیکی

تاکنون سیالیت واکنشی - تجدیدی علم، در علم‌شناسی‌ها، شناسایی نشده است تا از چپستی و گونه‌های آن بحث شود. به نظر می‌رسد از آن رو که علم ظرف‌پذیر بیشتر در علوم انسانی تولید می‌شود و کمتر بتوان در علوم طبیعی از آن سراغ گرفت، بنابراین می‌بایست مطالعه سیالیت واکنشی تجدیدی علم را بیشتر در علوم انسانی پی گرفت. دکتر شریعتی از این ویژگی با واژه «نسبی» چنین یاد کرده است: «مسائل سیاسی و اجتماعی بر خلاف مسائل فلسفی و علمی، نسبی‌اند و آنچه در یک زمان در جامعه مصداق دارد یا دارای آثار سازنده و مترقیانه است در زمان دیگر بی‌معنا و بی‌اثر و گاه دارای آثار ویران‌کننده و انحطاط‌آور است»<sup>۱</sup>.

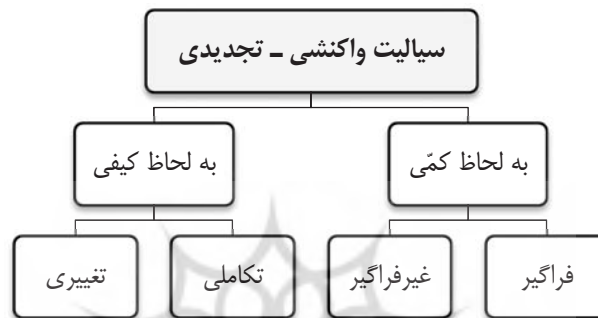
اگرچه علم پیشین، ضرورتاً ظرف‌پذیر است، علم جایگزین می‌تواند ظرف‌پذیر یا ظرف‌ناپذیر باشد. براین اساس الگوی سیالیت واکنشی - تجدیدی علم از علم پیشین با ماهیت ظرف‌پذیری آغاز می‌شود و با واکنش نقضی به آن و ساخت علم جایگزین با ماهیت ظرف‌ناپذیر یا ظرف‌ناپذیر پایان می‌پذیرد. (تصویر ۹)

۱. شریعتی، مجموعه آثار، ج ۴، ص ۲۶۱.



تصویر ۹: الگوی سیالیت واکنشی - تجدیدی علم

همچنین سیالیت واکنشی - تجدیدی علم به لحاظ دو ملاک کمیت نقض علم پیشین و کیفیت علم جایگزین، به گونه‌هایی تقسیم می‌شود. چراکه یا به همه گستره علم پیشین ناظر است یا به بخشی از آن، که در صورت نخست، «فراگیر» و در صورت دوم، «غیرفراگیر» است. همچنین به لحاظ کیفیت علم جایگزین در نسبت آن با علم پیشین یا «تکامل یافته‌تر» است و یا صرفاً «تغییر یافته» است. (تصویر ۹)



تصویر ۹: گونه‌های سیالیت واکنشی - تجدیدی علم

بر اساس آنچه گفته شد، سیالیت واکنشی - تجدیدی علم مربوط به مرحله پساعلم یعنی ناظر به علوم، پسینی، ناقص علم پیشین با ارائه جایگزین و مبتنی بر پذیرش علم ظرف پذیر در پارادایم‌ها و خود دارای گونه‌های کمی و کیفی است. بر این پایه، معنای سیالیت واکنشی - تجدیدی علم آن است که پارادایم پس از ساخت علم، آماده مواجهه نقضی و ارائه جایگزین متناسب با ظرف جدید بدون نقض درستی علم پیشین در ظرف پیشین، باشد.

به نظر ما در پاسخ به این سؤال که در رصد سیالیت واکنشی - تجدیدی علم در جهان علم‌ها بر چه کانونی باید تمرکز کرد باید گفت: کانون مطالعاتی این سیالیت، ماهیت ظرف پذیر علم است و این ماهیت را از دو طریق می‌توان دریافت. طریق نخست، نمود تاریخی است و طریق دوم، اقتضای منطقی ماهیت‌های پذیرفته شده در جهان علم‌هاست. در طریق نخست، مطالعه تاریخی واکنش‌های پارادایم‌ها مورد توجه قرار می‌گیرد و نمودهای تجدیدی آن احصاء می‌گردد. طبیعتاً وجود نمودهای

تاریخی، گویای باور پارادایم موردنظر به ماهیت ظرف پذیر علم خواهد بود. طریق دوم با فرض فقدان نمود تاریخی، بر اقتضاء منطقی ماهیت‌های پذیرفته شده نسبت به ماهیت ظرف پذیر علم استوار است. به این معنا که اگرچه پارادایمی فاقد نمود تاریخی سیالیت واکنشی - تجدیدی است، اما باور به ماهیت‌هایی از علم در آن، اقتضای منطقی باور به علم ظرف پذیر دارد. به نظر ما، ماهیت ظرف پذیر علم که برآمده از ماهیت وابسته علم است، غالباً مبتنی بر ماهیت استخدامی علم است و در مطالعات راهبردی آن بروز می‌نماید. به تعبیر دیگر، رابطه ابتدایی میان این ماهیت و ماهیت استخدامی و راهبردی علم برقرار است. (تصویر ۱۰).



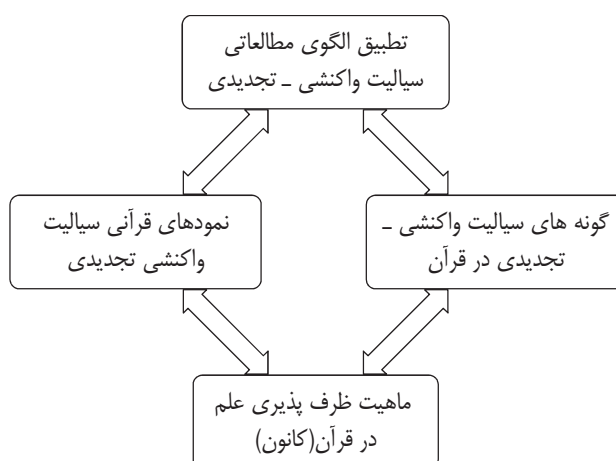
تصویر ۱۰: ارتباط منطقی ماهیت ظرف پذیر علم با سایر ماهیت‌های علم

بر اساس آنچه گفته شد، منطق پژوهش، ترکیبی از استقراء نموده‌های مسلّم تاریخی و کاوش منطقی این نمودها و نیز کاوش منطقی ماهیت‌های بنیادین علم در جهان علم‌ها خواهد بود. در ادامه بر پایه الگوی سیالیت واکنشی - تجدیدی علم (علم پیشین، واکنش نقضی، علم جایگزین)، کانون مطالعاتی این سیالیت (ماهیت ظرف پذیر علم) و نیز منطق ترکیبی پژوهش (نمود تاریخی و اقتضاء منطقی)، نخست این سیالیت را در قرآن و سپس در جهان علم سنتی مطالعه خواهیم کرد، آنگاه برآیند آن را در راستای دریافت هم‌گرایی و واگرایی جهان علم سنتی با قرآن نسبت‌سنجی خواهیم کرد.

## ۲. سیالیت واکنشی - تجدیدی علم در قرآن

حال بر پایه الگوی سیالیت واکنشی - تجدیدی علم و نیز با تمرکز بر ماهیت ظرف پذیر علم به‌عنوان کانون مطالعاتی این سیالیت و نیز منطق ترکیبی پژوهش، با مراجعه به قرآن، نموده‌های تاریخی متعدد و نیز اقتضاء منطقی ماهیت ظرف پذیر علم را به‌همراه گونه‌های متنوعی از سیالیت واکنشی - تجدیدی علم می‌توان دریافت داشت. براین اساس در مطالعه آن در قرآن می‌بایست هم‌گونه‌های این سیالیت در قرآن، هم تطبیق الگوی مطالعاتی آن، هم ماهیت ظرف پذیر علم به‌عنوان کانون مطالعاتی آن و هم نموده‌های آن در قرآن را مورد توجه قرار داد. (تصویر ۱۱) در ادامه مطالعه سیالیت واکنشی -

تجدیدی علم در قرآن بر اساس این، مربع مطالعاتی را در ذیل هر یک از گونه‌های فراگیر، غیرفراگیر، تکاملی و تغییری در قرآن مورد بررسی قرار می‌دهیم.



تصویر ۱۱: مربع مطالعاتی سیالیت واکنشی - تجدیدی علم در قرآن

### یک. سیالیت واکنشی - تجدیدی فراگیر علم در قرآن

سیالیت واکنشی - تجدیدی فراگیر علم که علاوه بر پنج ویژگی سیالیت‌های واکنشی، و یک ویژگی سیالیت واکنشی - تجدیدی شامل ناظر به علوم بودن، پسینی بودن، نقض‌کنندگی، غیرتأسیسی بودن، موجب توسعه طولی شدن و جایگزین داشتن، یک ویژگی متمایز کننده یعنی فراگیری علم جایگزین نسبت به همه گستره کمی علم پیشین را دارد. این سیالیت واکنشی - تجدیدی فراگیر با این هفت ویژگی دو نمود در قرآن دارد که همه این هفت ویژگی را پوشش می‌دهد. نمود نخست قرآنی آن «نسخ آیات قرآنی پیشین» است که اگرچه در معنا، گستره و نیز گونه‌های آن اختلاف است،<sup>۱</sup> اصل آن، امری پذیرفته شده است و از اوایل قرن دوم، تک‌نگاری‌هایی درباره آن آغاز شده و این تک‌نگاری‌ها تا هفتاد مورد شمرده شده است.<sup>۲</sup>

نمود دوم سیالیت واکنشی - تجدیدی فراگیر علم در قرآن، یکی از دو گونه «نسخ شرایع پیشین» است. چراکه «نسخ شرایع پیشین» دو سنخ متمایز دارد که یکی، نمود سیالیت کنشی - ساختی علم است که از موضوع این نوشتار خارج است و دیگری، نمود سیالیت واکنشی - تجدیدی فراگیر علم است. نسخ

۱. در مورد معانی نسخ، شرایط آن و امور نسخ‌پذیر و نسخ‌ناپذیر در میان سنیان ر.ک: مقدمه کریمه بنت علی بر کتاب

نسخ الحدیث و منسوخه ابن‌شاهین، ص ۳۹ - ۳۳.

۲. همان، ص ۵۵ - ۳۳.



شرایع پیشین، آنجا که اساساً پیشتر علمی تولید نشده است و آن شرایع، فاقد آن علم باشند و آن علم در شریعت اسلامی، تولید شده است، نمود سیالیت کنشی - ساختی علم در قرآن است چراکه واکنش به علم پیشین، منتفی است و آنجا که علمی تولید شده است و در شریعت اسلامی، نسخ می‌شود، طبیعتاً نمود سیالیت واکنشی است و از آن رو که جایگزین برای آن ارائه می‌شود، واکنشی - تجدیدی است و از آن جهت که علم جایگزین، همه گستره علم پیشین را دربرمی‌گیرد، واکنشی - تجدیدی فراگیر است.

در توضیح نمود دوم باید گفت، گاه به مجموعه معارف الهی دین گفته می‌شود که در این معنا، شریعت نیز بخشی از آن است و گاه شریعت خارج از آن دیده شده است و دامنه دین محدودتر است. دین به این معنا، «ملة» نیز خوانده شده است که امری ثابت است و دستخوش تغییر نمی‌شود چراکه اساساً ماهیتی شناختی و ثابت دارد. براین اساس به پیامبر ﷺ نیز امر شده است که از ملة ابراهیم پیروی کند: «ثُمَّ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ أَنْ اتَّبِعْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ»<sup>۱</sup> و یا «فَاتَّبِعُوا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ»<sup>۲</sup> که این آیات به امر ثابت دین ناظر هستند. براین اساس است که نمونه‌ای که در آنها ذکر شده است، مشرک نبودن ابراهیم است و آیه‌های «وَمَنْ يَرْغَبْ عَنْ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ إِلَّا مَنْ سَفِهَ نَفْسَهُ»<sup>۳</sup> و «وَمَنْ أَحْسَنُ دِينًا مِمَّنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ وَاتَّبَعَ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَاتَّخَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا»<sup>۴</sup> ناظر به علم ثابت شریعت است. براین اساس در تمایز دین و شریعت باید گفت، دین، ناظر به علم ثابت است و شریعت، ترکیبی از علم ثابت و علم سیال است. بر این پایه، شریعت خاتم نیز ترکیبی از علم ثابت و علم سیال است.<sup>۵</sup> براین اساس، نسخ واکنشی، چه نسبت به آیات پیشین قرآن و چه نسبت به شرایع پیشین، اساساً با فراگیری همراه است و چیزی از منسوخ را باقی نخواهد گذاشت یعنی اساساً نسخ واکنشی غیرفراگیر نداریم.

هفت ویژگی سیالیت واکنشی - تجدیدی فراگیر علم در هر دو نمود قرآنی یافت می‌شود چراکه

۱. نحل / ۱۲۳.

۲. آل عمران / ۹۵.

۳. بقره / ۱۳۰.

۴. نساء / ۱۲۵.

۵. استاد سند، گستره ثبات در دین را اصول دین و ارکان فروع و گستره تغییر را جزئیات تشریحی و عبادی و نظام سیاسی و قضایی دانسته است. «أما المتغيرات فهي موجودة وقد تطورت بشكل أكبر مما هي عليه من تطور بين الرسالات السابقة التي نسخت بعضها و هي رسالات عيسى و موسي و إبراهيم و نوح و أن منطقة الثبات في الدين هي منطقة أصول الدين و أركان الفروع أما التفاصيل التشريعية و العبادية و النظام السياسي و القضائي فخاضعة إلى التغيير و الأصول التشريعية جامعة و ثابتة». سند، *بحوث معاصرة في الساحة الدولية*، ص ۵۷.

گونه دومِ نسخِ شرایعِ پیشین و نیز همه مواردِ نسخِ آیاتِ پیشینِ قرآنی، ناظر به علوم هستند، بنابراین پسینی و غیرتأسیسی هستند، نقض‌کنندگی دارند، موجب توسعه طولی علم می‌شوند و نقض‌کنندگی در آنها با جایگزین همراه است و همه گستره منسوخ را در برمی‌گیرند.

دست‌کم بخش مهمی از دریافت «نسخِ آیاتِ پیشین» از قرآن، بر دریافتی زبان‌شناختی استوار است یعنی آیات متعددی بر آن دلالت دارند و می‌بایست در این دریافت، بر تکنیک‌های معنایی تمرکز کرد. از جمله دو واژه قرآنی «نسخ» و «تبدیل»، واژگان کلیدی هستند که سیالیت واکنشی - تجدیدی علم را پوشش می‌دهند. واژه نسخ در آیه «مَا نَسَخَ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِنْهَا أَوْ مِثْلَهَا»<sup>۱</sup> و واژه تبدیل در آیه «وَإِذَا بَدَلْنَا آيَةً مَكَانَ آيَةٍ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يُنزِلُ قَالُوا إِنَّمَا أَنْتَ مُفْتَرٌ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ»<sup>۲</sup> منعکس شده است. هر یک از دو واژه نسخ و تبدیل، وجود علم پیشین، واکنش به علم پیشین و جایگزینی علم جدید را حکایت می‌کنند بنابراین الگوی سیالیت واکنشی - تجدیدی علم (تصویر ۹)، کاملاً بر آنها منطبق است.

گفتنی است بر اساس آیه دوم، تبدیل یک آیه، که به نحو سیالیت واکنشی - تجدیدی فراگیر علم است، موجب شده است تا عده‌ای، رسول خدا ﷺ را «مُفْتَرٌ» بخوانند. این حاکی از آن است که ذهنیت آنان، تبدیل را بر نمی‌تابیده است و آن را نشانه افتراء می‌دیده است و به تعبیر دیگر ذهنیت ثابت‌انگار بر آنان احاطه داشته و تبدیل، جایگزینی و سیالیت را به رسمیت نمی‌شناخته است.

همچنین قرآن، نسخ و تبدیل آیات را به صورتِ موجه جزئیه ارائه کرده است یعنی هم ماهیت سیال علم و هم ماهیت ثابت علم در قرآن به رسمیت شناخته شده است. بر این اساس سیالیت واکنشی - تجدیدی علم نیز به نحو موجه جزئیه از قرآن دریافت می‌شود و به نظر می‌رسد درخواست برخی از مخالفان از رسول خدا ﷺ مبنی بر تبدیل قرآن موجود به قرآنی دیگر «وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا يَنبَغِينَ قَالِ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا إِنَّتَ بِقُرْآنٍ غَيْرِ هَذَا أَوْ بَدَّلَهُ قُلْ مَا يَكُونُ لِي أَنْ أُبَدِّلَهُ مِنْ تَلْقَاءِ نَفْسِي إِنْ أُنعِيَ إِلَّا مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابٌ عَظِيمٌ»<sup>۳</sup> درخواستی به نحو موجه کلیه شامل همه موارد سیال و ثابت بوده است.

واژگان قرآنی «حکمت» و «محکم» را نمی‌توان گویای ماهیت ثابت علم دانست چنان‌که واژه «متشابه» را نیز نمی‌توان بیانگر ماهیت سیال علم شمرد. چراکه علم سیال همچون علم ثابت، ابهام

۱. بقره / ۱۰۶.

۲. نحل / ۱۰۱.

۳. یونس / ۱۵.

معنایی ندارد و واژه متشابه با ابهام، اجمال و اموری از این دست قرین است. در نتیجه اگر بخواهیم در محدوده واژگان قرآنی سخن بگوییم، محکم را مقسم علم ثابت و علم سیال قرار می‌دهیم و خواهیم گفت، محکم در قرآن دو گونه ثابت و سیال دارد.

پس از ارائه نموده‌های سیالیت واکنشی - تجدیدی فراگیر علم در قرآن و نیز بررسی داده‌کاوی زبان شناختی و عملکردی در آنها، در مطالعه ماهیت ظرف‌پذیر علم در آنها به‌عنوان کانون مطالعاتی این سیالیت، بر پایه فرایند درونی سیالیت واکنشی - تجدیدی علم و نیز ارتباط سیالیت واکنشی - تجدیدی علم و ماهیت‌های علم (تصویر ۱۰) باید گفت اساساً نسخ، اعم از کنشی و واکنشی و اعم از نسخ شرایع پیشین یا آیات پیشین، راهبردهای قرآنی در ساحت کنش‌ها و واکنش‌های غالباً اجتماعی در گستره علوم انسانی است و وجود نسخ واکنشی در قرآن، از آن‌رو که اقتضای راهبردی بودن تولید علم، باور به ظرف‌پذیری علم است و نیز اینکه مطالعات راهبردی علم بر ماهیت‌های بنیادین وابسته و استخدامی علم استوار است، حاکی از باور قرآن به ماهیت‌های بنیادین وابسته، استخدامی، راهبردی و ظرف‌پذیر علم است. چراکه در این نسخ‌ها، واکنش به علم پیشین انجام می‌گیرد و علم جدید، ناقص و جایگزین علم پیشین است و ضرورتاً می‌بایست علم پیشین، ماهیت ظرف‌پذیر داشته باشد تا پذیرای این جایگزینی و نقض باشد و با آن تنافی معرفتی نداشته باشد چراکه علم پیشین حتی پس از نقض نیز در ظرف پیشین، صادق و رواست. براین اساس فرایند درونی نسخ، همخوان با فرایند درونی سیالیت واکنشی - تجدیدی علم است، چنان‌که فرایند ارتباطی آن با سایر ماهیت‌های بنیادین نیز برقرار است.

نتیجه آنکه نموده‌های قرآنی، هم حاکی از ماهیت ظرف‌پذیر علم در قرآن هستند و حکایت از ماهیت ظرف‌پذیر علم، حکایت از نقطه کانونی سیالیت واکنشی - تجدیدی علم است و هم در آنها همه گستره علم پیشین پوشش داده می‌شود. براین اساس، قرآن هم در نمود تاریخی و هم در اقتضای منطقی برخوردار از سیالیت واکنشی - تجدیدی فراگیر علم است.

## دو. سیالیت واکنشی - تجدیدی غیرفراگیر علم در قرآن

سیالیت واکنشی - تجدیدی غیرفراگیر علم، علاوه بر برخوردارگی از شش ویژگی نخست سیالیت واکنشی - تجدیدی فراگیر، تنها به بخشی از گستره علم پیشین ناظر است و آن را نقض می‌کند و جایگزین جدید، صرفاً به همان مقدار جایگزین می‌شود. مثلاً اگر با ساخت جدید، تمام قلمرو گزاره تولید شده در ظرف پیشین نقض نشود بلکه بخشی از آن در ظرف جدید نیز همچنان باقی بماند و نقض، فقط نسبت به همان بخش صورت پذیرد، می‌گوییم واکنشی، تجدیدی غیرفراگیر در علم انجام گرفته است. به تعبیر دیگر، علم جایگزین در این سیالیت برابر و معادل با علم پیشین نیست بلکه

صرفاً با بخشی از آن همپوشانی دارد و با بخش دیگر ناهمپوشان است. این نابرابری، لزوماً محدودتر از علم پیشین است یعنی بخشی از آن در ظرف جدید، نقض می‌شود و علم جایگزین در ظرف جدید، محدودتر از علم پیشین است.

به نظر ما همه موارد تخصیص و تقیید در قرآن و همچنین در سنت معصومان علیهم‌السلام، از موارد سیالیت واکنشی - تجدیدی غیرفراگیر علم است. دو واژه «عام» و «خاص» واژگانی روایی هستند که معصومان علیهم‌السلام از آنها بر توسعه‌ها و تضییق‌های قرآنی بهره‌برده‌اند. چنان‌که در بخشی از روایت امیرمؤمنان علیه‌السلام چنین آمده است: «إِنَّ فِي أَيْدِي النَّاسِ حَقًّا وَبَاطِلًا وَصِدْقًا وَكُذْبًا وَنَاسِخًا وَمَنْسُوخًا وَعَامًّا وَخَاصًّا وَمُحْكَمًا وَمُتَشَابِهًا... فَإِنَّ أَمْرَ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِثْلُ الْقُرْآنِ نَاسِخٌ وَمَنْسُوخٌ وَخَاصٌّ وَعَامٌّ وَمُحْكَمٌ وَمُتَشَابِهٌ» و نیز آن حضرت در برابر خوارج علاوه بر وجود ناسخ و منسوخ و محکم و متشابه در قرآن به وجود خاص و عام استناد کرده‌اند: «يا معشر الخوارج أنشدكم الله هل تعلمون أن في القرآن ناسخا و منسوخا و محكما و متشابها و خاصا و عاما»<sup>۱</sup> به نظر می‌رسد، منظور از عام و خاص در روایات، اعم از اصطلاح رایج امروزی آن در اصول فقه است که گونه‌ای از توسعه و تضییق در مقابل مطلق و مقید اصطلاحی است. شیخ انصاری، «تخصیص الكتاب بالكتاب» را امری مورد اتفاق دانسته است.<sup>۲</sup>

بنابر آنچه گفته شد، اصل رابطه تعمیمی و تخصیصی میان آیات قرآن، پذیرفته شده است. اگرچه این رابطه، هیچ‌گاه به اندازه رابطه ناسخ و منسوخی آیات، مورد توجه قرار نگرفته است و از جمله برخلاف رابطه ناسخ و منسوخی، تاکنون هیچ تک‌نگاری از تعمیم‌ها و تخصیص‌های قرآنی نگاشته نشده است. به نظر می‌رسد رابطه تعمیمی - تخصیصی آیات، رابطه‌ای است که از عملکرد قرآنی دریافت می‌شود. بر این پایه بر خلاف رابطه ناسخ و منسوخی و نیز رابطه محکم و متشابهی آیات که می‌توان بر واژگان خاصی تمرکز یافت، در این رابطه، می‌بایست بر عملکرد قرآنی تمرکز نمود. به‌عنوان نمونه‌ای از این رابطه می‌توان بر تعیین مقدار مهریه پیش از دخول در آیه «إِذَا نَكَحْتُمُ الْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ طَلَقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ فَمَا لَكُمْ عَلَيْهِنَّ مِنْ عِدَّةٍ تَعْتَدُونَهَا فَمَتَّعُوهُنَّ وَسَرَّحُوهُنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا»<sup>۳</sup> و آیه «وَإِنْ طَلَقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ وَقَدْ فَرَضْتُمْ لَهُنَّ فَرِيضَةً فَنِصْفُ مَا فَرَضْتُمْ»<sup>۴</sup> اشاره کرد. در آیه نخست که زودتر نازل شده است مقدار مشخصی تعیین نشده است

۱. همان، ج ۱، ص ۶۳ - ۶۲

۲. انصاری، *مطالع الأنظار*، ص ۲۱۰.

۳. احزاب / ۴۹.

۴. بقره / ۲۳۷.

که می‌تواند تمام مقدار مهر و یا بخشی از آن باشد بنابراین عام است و آیه دوم که در آخرین سوره قرآن یعنی بقره نازل شده است، این مقدار، نصف مهریه تعیین شده است بنابراین نسبت به آیه نخست، خاص است و موجب تخصیص می‌شود. چنان‌که علامه طباطبایی در ذیل آیه نخست می‌نویسد: «أقول: والروایات فی هذا المعنی كثيرة و هی مبنیة علی تخصیص الآیة بآیة البقرة كما تقدم فی تفسیر الآیة»<sup>۱</sup>.

تخصیص، دایره عمومیت پیشین را محدود می‌کند و خاص، نقض‌کننده عام پیشین و واکنشی نقضی به گستره آن است براین اساس پسینی نیز هست و البته بخشی از دایره عام که مدلول خاص نیز هست، همچنان باقی می‌ماند بنابراین نقض آن فراگیر نیست. در تخصیص نیز همچون نسخ فرایند درونی سیالیت واکنشی - تجدیدی علم مشاهده می‌شود چراکه علم پیشین، واکنش به آن و علم جایگزین به ترتیب تحقق می‌یابند اگرچه نقض و جانشینی فراگیر نیست در این فرایند، ساخت علم پیشین با توجه به فاصله زمانی که میان آن و علم جایگزین وجود دارد، بر پایه، باور به ماهیت ظرف‌پذیری علم انجام گرفته است. براین اساس تخصیص نیز مانند نسخ، گویای باور قرآن به ماهیت ظرف‌پذیر علم است که معنای آن باور قرآن به سیالیت واکنشی - تجدیدی غیرفراگیر علم خواهد بود.

#### سه. سیالیت واکنشی - تجدیدی تکاملی و تغییری علم در قرآن

سیالیت واکنشی - تجدیدی به لحاظ کیفی دو گونه تکاملی و تغییری دارد. این لحاظ کیفی در نسبت‌سنجی علم پیشین و علم جدید مطرح می‌شود. یعنی اگر علم جدیدی که جایگزین علم پیشین است، متکامل‌تر از آن بود، ماهیت علم جدید، تکاملی است و اگر صرفاً تغییر یافته آن بود، ماهیت تغییری خواهد داشت. در میان نموده‌های قرآنی سیالیت واکنشی - تجدیدی علم، یعنی نسخ شرایع پیشین، نسخ آیات پیشین و تخصیص عام پیشین، به نظر می‌رسد، نسخ شرایع پیشین، همواره مبتنی بر سیالیت واکنشی - تجدیدی تکاملی بوده است. یعنی شریعت نوین، صرفاً تغییر یافته شریعت پیشین نیست بلکه تکامل یافته‌تر از آن است. براین اساس شریعت خاتم، تکامل یافته‌ترین شریعت خواهد بود. اما نسخ آیات پیشین، چنان‌که قرآن بیان نموده است گاه تکاملی و گاه تغییری است «مَا تَسْخُ مِنْ آیَةٍ أَوْ نُسِهَا تَأْتِ بِخَيْرٍ مِنْهَا أَوْ مِثْلَهَا أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» چراکه تعبیر «بِخَيْرٍ مِنْهَا»، اشاره به ماهیت تکاملی علم جدید در نسبت به علم پیشین و «مِثْلَهَا» اشاره به ماهیت تغییری آن دارد. بدیهی است که مثل بودن معمولاً مبتنی بر تسهیل در تکالیف بوده است. همچنین به نظر

۱. طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۶، ص ۳۴۱.

می‌رسد، موارد تخصیص نیز همچون نسخ آیات پیشین دو گونه تکاملی و تغییری داشته باشد. براین اساس، سیالیت واکنشی - تجدیدی علم در قرآن گاه ماهیتی تکاملی و گاه ماهیت تغییری دارد. در جمع‌بندی سیالیت واکنشی - تجدیدی علم در قرآن باید گفت بخشی از شریعت الهی که با وحی در اختیار قرار گرفته، ماهیت وابسته، استخدامی و راهبردی علم دارد و در مقابل شرایط و ظروف، ماهیتی واکنشی و انعطاف‌پذیر دارد و براین اساس، گونه‌های کمی و کیفی متنوعی از سیالیت واکنشی - تجدیدی علم در قرآن انعکاس یافته است. وجود سطح ملموس از این سیالیت، گویای باور راسخ قرآن به ماهیت ظرف‌پذیر علم است.

### ۳. سیالیت واکنشی - تجدیدی علم در جهان علم سنتی

در مطالعه سیالیت واکنشی - تجدیدی علم در جهان علم سنتی بر پایه الگوی این سیالیت، کانون مطالعاتی آن و دو طریق نمود تاریخی و اقتضای منطقی و منطق پژوهشی آن باید گفت: تا پیش از یک قرن اخیر، نمود و شاهی از ساخت علم با ماهیت ظرف‌پذیر در این جهان علم نمی‌توان سراغ گرفت. یعنی نمود تاریخی از الگوی سیالیت واکنشی - تجدیدی که از علم پیشین با ماهیت ظرف‌پذیر آغاز شود و با واکنش نقضی ادامه یابد و با ساخت علم جایگزین خاتمه پذیرد، یافت نمی‌گردد. به تعبیر دیگر با آنکه تقلیل‌گرایی به علوم انسانی در این جهان علم صورت گرفته است و بیشترین نمود سیالیت واکنشی - تجدیدی علم در علوم انسانی است، نمی‌توان شاهی یافت که نشان دهد این پارادایم، ساخت و تولیدی بر پایه ماهیت ظرف‌پذیر علم داشته است و علاوه بر آنکه نمودی از سیالیت واکنشی - تجدیدی علم تا پیش از یک قرن اخیر در این جهان علم یافت نمی‌شود، فقدان ماهیت وابسته و نیز استخدامی و راهبردی علم در این پارادایم که پایه‌های منطقی ماهیت ظرف‌پذیر علم هستند نیز گویای فقدان ماهیت ظرف‌پذیر علم و به تبع آن فقدان تولید علم بر پایه آن است. براین اساس علاوه بر منتفی بودن نمود تاریخی این سیالیت در این جهان علم، اقتضاء تولید علم با ماهیت ظرف‌پذیر در این پارادایم نیز منتفی است چراکه باور به علم پیشین ظرف‌پذیر در آن منتفی است و با انتفاء آن، واکنش نقضی به آن، به نحوی که آن را در ظرف پیشین، صادق بشمارد و نیز ساخت علم جایگزین در ظرف جدید، منتفی است که نتیجه آن، فقدان الگوی سیالیت واکنشی - تجدیدی علم در این پارادایم است.

بر اساس آنچه گفته شد، جهان علم سنتی تا پیش از یک قرن اخیر هم فاقد نمود تاریخی و هم فاقد اقتضای منطقی ماهیت ظرف‌پذیر علم بوده است و فعالیت علمی آن مصروف مواجهه با مسائل،

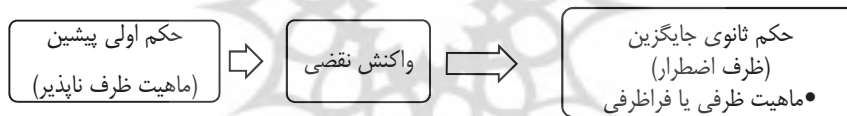
تولید داده‌ها، گزاره‌ها و نظریه‌های ظرف‌ناپذیری بوده که مبتنی بر ماهیت‌های بنیادین پیراسته و شناختی علم هستند. این تلقی از علم در نسخه امروزی این پارادایم از جمله در حوزه علمیه ما نیز تلقی غالب از علم است. علم ثابت و ظرف‌ناپذیر در ساحت فقه از ساحت‌های دین‌پژوهی در این پارادایم، در قالب «تعبدگرایی» بروز کرده است و همواره رابطه مستقیمی میان آن و گستره «بدعت» برقرار بوده است و نقطه اوج آن لفظ‌گرایی در گرایش‌های سنی و شیعی درون این پارادایم بوده است. در ساحت تفسیر در این پارادایم نیز میان تفسیر روایی و تفسیر به رأی رابطه معکوسی برقرار بوده است. همچنین در کلام نیز این پارادایم، ثابت‌گرایی خود را در کلام روایی بروز داده است. اگرچه هر چه بیشتر به عصر حاضر نزدیک شده است از آن کاسته شده اما همچنان جریان سلفیه در این پارادایم از دوران نخستین تا عصر حاضر از آن پاسداری کرده است.

در میان آثار مکتوب به‌جای‌مانده در تمدن اسلامی، شناسایی سنخی از علم ظرف‌پذیر در عبارتی از ابن‌سینا، قابل توجه است. وی اگرچه متعلق به جهان علم ارسطوئی است و بیش از یک خط و نیم به آن نپرداخته و خود نیز به ساخت و تولید علم مبتنی بر آن اقدام نکرده است، آن را شناسایی کرده است. وی پس از مقدمه کتاب *منطق‌المشرقیین*، تحت عنوان «فی ذکر العلوم» به تقسیم علوم پرداخته است و نقطه آغاز این تقسیم‌بندی را زمانی بودن و فرازمانی بودن علم دانسته است یعنی مقسم تقسیم‌بندی علم در این کتاب، زمانی و فرازمانی بودن علم است. اگرچه ظرف‌علم، در عبارت وی، صرفاً زمانی است اما گویای باور وی به ماهیت ظرف‌پذیر علم در مقابل ماهیت ظرف‌ناپذیر علم است. او در ادامه، علم فرازمانی را سزاوارتر از علم‌زمانی در نامیده شدن به «حکمت» دانسته است. سپس وی بر علم فرازمانی تمرکز کرده و تقسیم علوم را در آن پی‌گرفته است. عبارت وی چنین است:

**در ذکر علوم:** علوم بسیارند و تمایل به آنها مختلف است با این حال در اولین تقسیم به دو گونه تقسیم می‌پذیرند: نخست؛ علمی که صلاحیت آنکه احکام آنها در تمام زمان‌ها جریان یابد، ندارند بلکه به دوره‌ای از زمان اختصاص دارند و پس از آن یا ساقط می‌شوند و یا کاربرد آنها در دوره‌ای از زمان مورد غفلت قرار گرفته و پس از آن دوره، مورد توجه قرار می‌گیرند و دوم؛ علمی که نسبت مساوی با تمامی اجزاء زمان دارند. این علوم برای نامیده شدن به «حکمت»، سزاوارترند.<sup>۱</sup>

۱. ابن‌سینا، *منطق‌المشرقیین*، ص ۵. متن عبارت وی از این قرار است: «فی ذکر العلوم: إن العلوم كثيرة و الشهوات لها مختلفة و لكنها تنقسم أول ما تنقسم قسمین علوم لا یصلح أن تجری أحكامها الدهر كله بل فی طائفة من الزمان ثم تسقط بعدها أو تكون مغفولا عن الحاجة إليها بأعيانها برهة من الدهر ثم یدل علیها من بعد و علوم

اما در یک قرن اخیر تلاش‌های جدی در شاخه شیعی جهان علم سنتی برای بازشناسی امور متغیر در ساحت دین‌پژوهی و به طور خاص در ساحت شریعت و مطالعات آن در علم فقه انجام گرفته است.<sup>۱</sup> علاوه بر آنکه تغییرپذیری و انعطاف، عموماً به‌عنوان امر خلاف قاعده و ثانوی تلقی می‌شود و نیز بر اصل این تغییرپذیری نیز تأکید می‌شود از جمله آنکه گفته می‌شود: «اسلام همیشه روی حاجت‌های ثابت مهر تأیید زده است اما حاجت‌های متغیر انسان را تابعی از حاجت‌های ثابت قرار داده است»<sup>۲</sup> و یا جزئیات تشریحی و عبادی و نظام سیاسی و قضایی به‌عنوان گستره آن شناسایی شده است،<sup>۳</sup> با این حال این مطالعات، همواره در رکود بوده است و رشد نیافته‌اند چراکه این مطالعات نهایتاً تغییر موضوع تحت تاثیر زمان و مکان به لحاظ حکم اولی آن و نیز عموماً تغییر حکم به‌نحو ثانوی را در پی داشته است. به نظر می‌رسد رکود این مطالعات، ریشه در ابهام عمیقی دارد که میان آن و مقوله «بدعت» وجود دارد. این تلاش‌ها اگرچه در نسبت به پیشینه کهن خویش، فضایی برای انعطاف در علم فقه گشوده است با این حال عموماً نمودی تاریخی از سیالیت واکنشی - تجدیدی علم در این جهان علم به شمار نمی‌رود چراکه در عموم موارد آنکه حکم ثانوی در ظرف اضطرار ارائه می‌شود و تا زمان وجود اضطرار، موقتاً معتبر شمرده می‌شود، علم پیشین، اساساً نقض نمی‌شود و ساخت علم پیشین بر پایه ماهیت ظرف‌پذیر نمی‌باشد بلکه علم جدید (حکم ثانوی)، ظرف‌پذیر است و در ظرف اضطرار ارائه شده است و با انتفاء ظرف، علم پیشین، بازمی‌گردد یعنی الگوی آن نسبت به الگوی سیالیت واکنشی - تجدیدی علم (تصویر ۹)، معکوس است اگرچه در اصل ساخت علم ظرف‌پذیر به‌عنوان امر خلاف قاعده، با آن اشتراک دارد. (تصویر ۱۱)



تصویر ۱۱: الگوی تغییر حکم اولی به ثانوی

اما در موارد تغییر موضوع در صورتی که تغییر حکم اولی را در پی داشته باشد، گرچه موارد آن،

متساویة النسب إلي جميع أجزاء الدهر و هذه العلوم أولی العلوم بأن تسمی حکمة».

۱. در مقاله «نقش زمان و مکان در استنباط احکام از منظر برخی فقهای بزرگ امامیه و اهل سنت»، نمونه‌هایی پیش از این نیز ارائه شده است. (قاسم‌زاده، «نقش زمان و مکان در استنباط احکام از منظر برخی فقهای بزرگ امامیه و

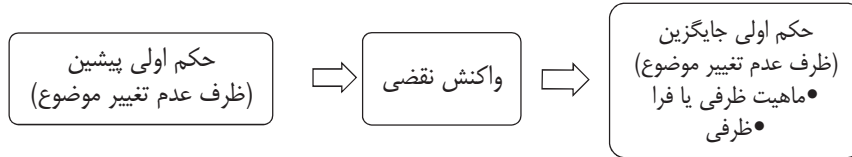
اهل سنت» پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، ش ۲۷، ص ۱۰۰ - ۹۴)

۲. مطهری، اسلام و نیازهای زمان، ج ۱، ص ۱۳۲.

۳. سند، بحوث معاصره فی الساحة الدولیه، ص ۵۷.



بسیار نادر و قائل به آن به معنای است،<sup>۱</sup> الگوی آن با الگوی سیالیت واکنشی - تجدیدی علم، همسو است و علم پیشین بر پایه ماهیت ظرف پذیرایی علم ساخته می شود و این ظرف، «عدم تغییر موضوع» است که با تغییر آن، حکم اولی آن نیز دچار تغییر شده و جایگزین آن می شود و فرایند آن تنها یک تمایز با الگوی سیالیت واکنشی - تجدیدی علم (تصویر ۹) دارد که عبارت است از اینکه تولید علم جایگزین در فرایند سیالیت واکنشی - تجدیدی، می تواند بر پایه ماهیت ظرف پذیر و یا ظرف ناپذیر علم صورت گیرد در حالی که حکم اولی جایگزین، همچون حکم اولی پیشین، همواره ظرف پذیر است. (تصویر ۱۲)



### تصویر ۱۲: فرایند درونی تغییر حکم اولی

بر پایه آنچه گفته شد، تنها تغییر حکم اولی بر پایه ظرف تغییر موضوع در ساحت فقه در دوره اخیر از سوی امام خمینی ره را می توان نمودی از سیالیت واکنشی - تجدیدی علم در ساحت فقه به شمار آورد. بدیهی است که سیالیت محدود در علم فقه از سوی یک فقیه، به هیچ وجه به معنای باور دیسپلین فقه به سیالیت واکنشی - تجدیدی علم نیست تا چه رسد به آنکه از باور جهان علم سنتی به آن حکایت کند.

در نسبت سنجی سیالیت واکنشی - تجدیدی علم در قرآن و جهان علم سنتی در تمدن اسلامی باید گفت، برآیند مطالعه سیالیت واکنشی - تجدیدی علم در قرآن، انعکاس درخور گونه های متنوع آن در قرآن است چرا که هم نموده های تاریخی متعددی در آن یافت می شود که حاکی از باور قرآن به ماهیت ظرف پذیر علم است و هم باور به ماهیت های وابسته، استخدامی و راهبردی علم در آن، اقتضاء منطقی باور به ماهیت ظرف پذیر علم را دارد در حالی که هم نمود تاریخی و هم اقتضاء منطقی ماهیت های پذیرفته شده در جهان علم سنتی، منتفی است که نتیجه آن واگرایی شدید علم سنتی با قرآن در سیالیت واکنشی - تجدیدی علم است (تصویر ۱۳). براین اساس قرآن به دو گانه

۱. ر.ک: امام خمینی، *صحیفه نور*، ج ۱، ص ۹۸. «مسئله ای که در قدیم دارای حکمی بوده است، به ظاهر همان مسئله در روابط حاکم بر سیاست و اجتماع و اقتصاد در یک نظام ممکن است حکم جدیدی پیدا کند. بدین معنا که با شناخت دقیق روابط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی همان موضوع اول که از نظر ظاهر با قدیم فرقی نکرده است، واقعاً موضوع جدید شده است که قهراً حکم جدید می طلبد».

ثابت و سیال در ماهیت علم باورمند است و جهان علم سنتی صرفاً با باور به ماهیت ثابت و ظرف‌ناپذیر علم، فعالیت‌های علمی‌اش را سامان داده است.

| سیالیت واکنشی - تجدیدی | اقتضاء منطقی | نمود تاریخی | پارادایم<br>↓  |
|------------------------|--------------|-------------|----------------|
| +                      | +            | +           | جهان علم قرآنی |
| -                      | -            | -           | جهان علم سنتی  |

تصویر ۱۳: جدول نسبت‌سنجی سیالیت کنشی - تجدیدی علم در قرآن و جهان علم سنتی

## نتیجه

پس از ارائه مشخصه‌های هفت‌گانه سیالیت واکنشی - تجدیدی علم شامل: ناظر بودن به علوم، پسینی بودن، نقض‌کنندگی، غیرتأسیسی و اقتضای توسعه طولی، جایگزینی و ابتناء بر ظرف‌پذیری علم و نیز ارائه گونه‌های کمی (فراگیر و غیرفراگیر) و کیفی (تکاملی و تغییری) از این سیالیت و نیز ارائه الگوی سه عنصری از آن و اینکه علم ظرف‌پذیر به‌عنوان قانون مطالعاتی آن است و دو طریق نمود تاریخی و اقتضای منطقی برای رصد آن در جهان علم‌ها وجود دارد و نیز پس از معرفی منطق ترکیبی پژوهش شامل منطق استقرائی و واکاوی منطقی، مراجعه به قرآن و جهان علم سنتی انجام شد. «نسخ شرایع پیشین»، «نسخ در شریعت اسلامی» و «تخصیص» به‌عنوان نمودهایی تاریخی از سیالیت کنشی - تجدیدی علم در قرآن که الگوی سیالیت واکنشی - تجدیدی علم کاملاً بر آن منطبق است و گویای باور قرآن به ماهیت ظرف‌پذیر علم‌اند، شناسایی شد. علاوه بر آنکه اقتضاء منطقی ماهیت‌های بنیادین وابسته، استخدامی و راهبردی علم در قرآن نیز باور به علم ظرف‌پذیر است بنابراین دست‌کم بخشی از داده‌های قرآنی، برآمده از ماهیت وابسته، استخدامی و راهبردی علم تولید شده است و در مواجهه با شرایط و ظروف، ماهیت واکنشی و انعطاف‌پذیر دارد و موجب شده است تا گونه‌های کمی و کیفی متنوعی از سیالیت واکنشی - تجدیدی علم شامل فراگیر و غیرفراگیر و تکاملی و تغییری در آن انعکاس یافته باشد. اما در جهان علم سنتی در تمدن اسلامی، علاوه بر آنکه نمودی از سیالیت واکنشی - تجدیدی علم که الگوی این سیالیت بر آن منطبق باشد، یافت نشد، اساساً فاقد اقتضاء منطقی برای ماهیت علم ظرف‌پذیر تشخیص داده شد نتیجه نهایی آن شد که جهان علم سنتی در تمدن اسلامی در سیالیت واکنشی - تجدیدی علم با قرآن واگرایی دارد.

## منابع و مأخذ

### قرآن کریم.

۱. ابراهیمی تیرتاش، فهیمه و شیخ رضایی، حسین، «نقد و بررسی مولفه‌های ماهیت علم در آموزش علم»، *روشن‌شناسی علوم انسانی*، ش ۹۳، ص ۱۶۰-۱۳۵ زمستان ۱۳۹۶.
۲. ابن سینا، حسین، *منطق المشرقیین*، قم، منشورات مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی، چ ۲، ۱۴۰۵ ق.
۳. ابن شاهین بغدادی، عمر، *ناسخ الحدیث و منسوخه*، تحقیق کریمه بنت علی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
۴. استرآبادی، محمد امین، *الفوائد المدنیة*، تحقیق رحمت الله رحمتی اراکی، قم، موسسه النشر الاسلامی، چ ۵، ۱۴۳۷ ق.
۵. امام خمینی، سید روح الله، *صحیفه نور*، تهران، انتشارات سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۶۹.
۶. انصاری، مرتضی، *مطالع الأناظر*، خطی.
۷. باربور، ایان، «پارادایم‌ها در علم و دین»، ترجمه ابراهیم سلیمانی، *کیان*، ش ۳۴، ص ۳۲-۲۰، ۱۳۷۵.
۸. بلیکی، نورمن دبلیو اچ، *پارادایم‌های تحقیق در علوم انسانی*، ترجمه حمیدرضا حسنی، محمد تقی ایمان، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چ ۲، ۱۳۹۵.
۹. حسین زاده (یزدی)، محمد، «پارادایم؛ افسانه یا واقعیت (تحلیل معناشناختی، خاستگاه و ارزیابی)»، *معرفت فلسفی*، سال چهاردهم، ش ۳، ص ۱۳۴-۱۰۱، بهار ۱۳۹۶.
۱۰. خاقانی، محمد، «پارادایم حکمت و نقش آن در تعامل علوم»، *نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز*، ش ۱۸۶، ص ۸۲-۶۵، بهار ۱۳۸۲.
۱۱. خاکی قراملکی، محمدرضا، *تحلیل هویت علم دینی و علم مدرن*، قم، کتاب فردا، ۱۳۸۹.
۱۲. دانشیار، مرتضی، «اصطلاح حوزه علمیه: تاریخچه پیدایی و تحولات معنایی»، *پژوهشنامه تاریخ تمدن اسلامی*، سال ۴۵، ش ۱، ص ۹۳-۸۱، بهار و تابستان ۱۳۹۱.
۱۳. رضوی، مرتضی، *علت ماندگاری فلسفه ارسطویی در میان شیعیان*، [www.binesheno.com](http://www.binesheno.com)، بازیابی: ۱۳۹۷/۸/۱۰.
۱۴. روزنتال، فرانتس، *دانش پیروزمند: مفهوم علم در اسلام قرون وسطی*، ترجمه علیرضا پلاسید، تهران، گستره، چ ۱، ۱۳۹۲.
۱۵. سند، محمد، *بحوث معاصرة فی الساحة الدولية*، قم، مرکز الابحاث العقائدية، چ ۱، ۱۴۲۸ ق.

۱۶. شریعتی، علی، **مجموعه آثار**، ج ۴، تهران، الهام، ۱۳۸۷ و ج ۳۱، تهران، چاپخش، ۱۳۶۷.
۱۷. صادقی، رضا، «ماهیت پارادایم و ابعاد کل گرایانه آن»، **متافیزیک**، سال ۱۱، ش ۲۷، ص ۱۵۶ - ۱۲۹، بهار و تابستان ۱۳۹۸.
۱۸. طباطبایی، سید محمدحسین، **المیزان فی تفسیر القرآن**، ۱ - ۲۰، قم، مؤسسه النشر الإسلامی، بی تا.
۱۹. علی پور، مهدی و سید حمیدرضا حسنی، **پارادایم اجتهادی دانش دینی «پاد»**، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چ ۲، ۱۳۹۰.
۲۰. قاسم زاده، حسین علی، «نقش زمان و مکان در استنباط احکام از منظر برخی فقهای بزرگ امامیه و اهل سنت»، **پژوهش های فقه و حقوق اسلامی**، ش ۲۷، ص ۸۹ - ۱۱۰، بهار ۱۳۹۱.
۲۱. کاظمی، صدیقه و دیگران، «پارادایم های حاکم بر تربیت و ویژه از منظر جامعه شناسی علم»، **پژوهش نامه مبانی تعلیم و تربیت**، سال سوم، ش ۱، ص ۱۳۶ - ۱۱۱، بهار و تابستان ۱۳۹۲.
۲۲. کافی، مجید، «هدف علم در پارادایم اسلامی علوم انسانی»، **اسلام و علوم اجتماعی**، ش ۱۶، ص ۸۲ - ۶۱، پاییز و زمستان ۱۳۹۵.
۲۳. کوهن، توماس، **بنیة الثورات العلمیة**، ترجمه حیدر حاج اسماعیل، بیروت، المنظمة العربیة للترجمة و النشر، چ ۱، ۲۰۰۷ م.
۲۴. کوهن، توماس، **بنیة الثورات العلمیة**، ترجمه شوقی جلال، کویت، المجلس الوطنی للثقافة و الفنون و الآداب، ۱۹۹۲ م.
۲۵. مطهری، مرتضی، **اسلام و نیازهای زمان**، تهران، صدرا، چ ۱۹، ۱۳۸۱.
۲۶. مقدم حیدری، غلامحسین و حمیدرضا آیت اللهی، «عقلانیت به مثابه حفظ گزاره های ثابت و جایگزینی گزاره های سیال»، **فلسفه علم**، ش ۲، ص ۱۶۱ - ۱۴۳، پاییز و زمستان ۱۳۹۰.